



بیانات مقام معظم رهبری در صحن آستان قدس رضوی - 1 / فروردین / 1373

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. بارئ الخلائق اجمعين. والصلاة والسلام علي سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا و شفيع ذنوبنا و طبيب نفوسنا، ابي القاسم محمد و علي آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين، الهداة المهديين المعصومين. سيما بقية الله في الارضين. قال الله الحكيم في كتابه: «اتما تنذر من اتبع الذكر و خشي الرحمن بالغيب، فبشره بمغفرة و اجر كريم.»

اولاً عيد سعيد را به همه مردم عزيز مشهد و ديگر شهرهاي خراسان و همچنين به ميهمانان علي بن موسي الرضا عليه السلام و زوار و واردين اين شهر و به همه ملت ايران تبريك مي گويم. امسال دو عيد فطر و نوروز، تقريباً مقارن شده است. آغاز سال جديد هجري شمسي، فرصتي براي شروع يك زندگي و منش و اخلاق شخصي و اجتماعي جديد براي آحاد ملت ايران است. اميدوارم تحت توجهات حضرت ثامن الحجج، علي بن موسي الرضا عليه الصلاة و السلام، همه شما عزيزان مشمول افاضات الهي و توجهات ويژه ولي عصر ارواحنا فداه، باشيد. من امروز صحبت مختصري درباره يكي از معارف قرآني در نظر گرفته ام كه عرض كنم و پس از آن هم، چند جمله اي درباره مسائل مورد علاقه ملت ايران در زمينه امور جهاني و داخلي عرض خواهم كرد. مجلس، بسيار متراكم است و جمعيتي عظيم در اين محيط و در صحنهاي ديگر، حضور دارند. مايلم به كمك پروردگار، در اين وقت محدود، از معارف قرآني استفاده اي شود و همه در اين روز اول سال، از كلام الهي كسب نوري كنيم. يكي از مسائلي كه در قرآن مكرّر آمده و روي آن تكيه شده است، مسأله «ذكر» است. «ذكر»، يعني به ياد بودن، به هوش بودن و متوجه بودن. آيه شريفه قرآن مي فرمايد: «لقد انزلنا اليكم كتاباً فيه ذكر كم.» يعني قرآن را وسيله ذكر و به هوش بودن و متوجه بودن آحاد مسلمانان معرفي فرموده است؛ زيرا بسياري از مردم، در طول زمان دچار غفلت از حقايق عالم و در رأس همه، غفلت از ذات مقدس پروردگار بوده اند. در سوره هاي قرآن، درباره ذكر و غفلت مطالب زيادي بيان شده است كه به گمان من در دو سوره «ياسين» و «انبيا»، بيش از ديگر سوره، روي اين دو مطلب تكيه شده است. قرآن مي خواهد مردم مسلمان غافل نباشند، بلكه متوجه باشند. نقطه مقابل اين خواست الهي و قرآني، خواست كساني است كه مست قدرت يا شهوتند، كه در آيه شريفه قرآن در سوره «نساء» نسبت به اراده پروردگار، اين گونه مي فرمايد: «يريد الله ليبين لكم و يهديكم سنن الذين من قبلكم.» يعني خدا مي خواهد كه شما هدايت شويد؛ راه را پيدا كنيد؛ چشمهاي شما ببيند و قلب شما آگاه باشد. اما در آيه بعد، نقطه مقابل اين است «و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلاً عظيماً.» اما كساني كه مست قدرت و شهوتند، دچار غفلت هستند و مي خواهند شما هم مثل آنها در غفلت به سر ببريد و متوجه نباشيد و راهتان را پيدا نكنيد. لذا، صاحبان قدرت و گردن كلفتهاي عالم كه قدرت و شهوت و مقام و همه موجبات غفلت را با همديگر دارند، هر جا به مردم و كساني كه بيدارند و دلهايشان به هدايت الهي نوراني است برخورد مي كنند، مي خواهند آنها را هم مانند خود دچار غفلت كنند و از راه راست منحرف نمايند. خدای متعال، بر ما به عنوان يك ملت، متّ گذاشته و بيدارمان کرده است. ما هم قبلاً در خواب غفلت بوديم. ما هم در سايه نا مبارك نظامهاي طاغوتي و سلطنتي، راه را نمي شناختيم. ما هم از اخلاق اسلامي بركنار بوديم. خدا بر ما متّ نهاد، بيدارمان كرد و دلهايمان را روشن نمود. روزي در جامعه ما قرآن حضور نداشت. نماز و اقامه صلاة، به معنای واقعي وجود نداشت. نماز جمعه نداشتيم. اجتماعات الهي و معنوي، آن چنان كه شايسته يك ملت مؤمن است نداشتيم و ستمگران بر ما حكومت مي كردند. كساني در رأس جامعه و به عنوان رئيس ما در اين كشور زندگي مي كردند كه اهل فسق و فجور بودند؛ اهل گناه بودند؛ اهل دوري از خانه خدا بودند؛ هدايت را نمي شناختند؛ راه خدا را نمي شناختند؛ عدالت را نمي شناختند؛



با پیغمبران آشتی نبودند؛ با راه خدا سازگار نبودند. ما هم روزی در برهه ای طولانی از زندگی تاریخی خودمان، آن طور زندگی کردیم. ولی خدا، ما را بیدار کرد. این ملت، بیدار شده و هدایت شده خداست. راه را خدا به این ملت نشان داد.

کاری را که این ملت انجام داد، هیچ ملتی در طول تاریخ، با این قدرت و با این عظمت انجام نداده است. برای همین است که شما امروز به هر کشور اسلامی که قدم بگذارید، خواهید دید برجستگان آن کشور، روشنفکران آن ملت، جوانان درس خوانده و تحصیلکرده آن ملت و مردان و زنان آگاه آن ملت، دلشان به یاد ملت ایران می تپد. خودشان بر زبان می آورند و می گویند که «ما ملت ایران را الگویی خود قرار داده ایم.» خیلی کسان از شما تقلید کردند. خیلی کسان راه شما را انتخاب کردند، و البته، همه توفیق شما را نداشتند.

ملت ایران ملتی است که خدای متعال بعد از یک غفلت، او را آگاه و بیدار کرد؛ راه را به او نشان داد و قدمهایش را استوار ساخت. این ملت هم، از مرگ نترسید، از زحمتها نترسید، پیش رفت و بحمدالله، پرچم اسلام و قرآن و نام خدا و پیغمبران را در دنیا بلند کرد. ما به خاطر این وضعیت و به خاطر توفیق بزرگی که خدای متعال به ما بخشیده است، به این نکته و به این مسأله باید توجه کافی کنیم و موضوع ذکر و هدایت را به عنوان مسأله اصلی و اساسی خودمان مورد توجه قرار دهیم. پس ملت ما، امروز از جمله موضوعهایی که احتیاج دارد به درستی به آن توجه کند، موضوع ذکر و دوری از غفلت است. همه باید سعی کنند غفلتها را - چه در زمینه مسائل شخصی و چه در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی و مسائل مهم عالم، و بخصوص عالم اسلام (اگر وجود دارد) - بزایند تا یک فضای روشن و نورانی به وجود آید که آحاد مردم بتوانند حقایق را به روشنی بفهمند. این، آن چیزی است که دین می خواهد و قرآن ما را به سمت آن هدایت می کند.

یک نکته مربوط به همین مطلب در زندگی ابراهیم خلیل الرحمن علیه الصلوة والسلام وجود دارد که آیات مربوط به این مطلب در سوره انبیا قابل توجه است. ابراهیم علیه السلام به عنوان یک جوان داعی توحید و تنها دعوت کننده به معرفت پروردگار در یک جامعه غفلت زده و شرک آلود، وارد میدان دعوت شد؛ اما دلها همه خواب و مغزها متحجر شده بود. ابراهیم علیه السلام، به تدبیر الهی باید تکانی به دلها، فکرها و ذهنهای مردم می داد تا در سایه این تکان شدید، می توانست حرف خود را به اعماق جان مردم برساند. آن تکان شدید، این گونه به وجود می آمد که ابراهیم علیه السلام، بتخانه و مرکز ایمان کورکورانه و جاهلانه آن مردم را به هم بریزد. او وارد بتخانه شد، بتها را شکست و تنها یک بت را که بت بزرگ بود، سالم نگاه داشت؛ برای این که از همین نقطه بتواند استفاده کند و ذهنها را متوجه حقیقت سازد.

بعد از آن که مردم فهمیدند این حرکت، کار ابراهیم خلیل الله است، گفتند: آیا تو این کار را با خدایانمان کردی؟! «قالوا ءانت فعلت هذا بالهتنا یا ابراهیم.» و ابراهیم علیه السلام به آنان جواب داد: «قال بل فعله کبیر هم هذا فاسئلوهم ان کانو ینطقون.» از این جا مجاهدت فکری ابراهیم علیه السلام که یک نفر بود در برابر یک دنیا، شروع شد. نکته، این جاست. یک دنیای ظلمانی در برابر ابراهیم علیه السلام بود؛ که در آن قدرتهای پر تلالؤ مادی بودند، ثروتمندان درجه یک بودند، داعیان و گویندگان تابع قدرت بودند و او تنها بود. این، درس است. یک ملت وقتی که در مقابل یک دنیای مخالف قرار می گیرد چه حالی دارد؟ امروز شما به ملت ایران نگاه کنید! ملت ایران حرفی می زند که هیچ یک از قدرتهای جهانی آن را دوست نمی دارند. در قضیه فلسطین، همه با هم سازش کردند و جز ملت ایران کسی جرأت نمی کرد «نه» بگوید و حقیقت را ابراز کند. در قضایای تعدی و ظلم و جور که امروز به مسلمانان عالم می شود، جز ملت ایران هیچ ملتی یا جرأت نمی کند صدایی برآورد و یا صدایش به جایی نمی رسد. نسبت به نظم نوینی که مستکبرین عالم و در رأس آنها امریکا برای تسلط بر ملتها درست کرده اند، جز ملت ایران هیچ کس در دنیا جرأت نمی کند «نه» بگوید. یعنی کسانی که عقیده ملت ایران را قبول دارند، در دنیا کم نیستند. حتی از



دولتمردان هم کسانی هستند که حرف شما ملت ایران را قبول دارند. اما آنها هم می ترسند! یکی از رؤسای جمهور به اصطلاح انقلابی، هفت، هشت سال قبل از این در یکی از مجامع جهانی که بیش از صد دولت در آن شرکت کرده بودند و ما هم بودیم، به من گفت: «غیر از شما، همه کسانی که در این مجمع هستند، می ترسند!» بعد سرش را پایین آورد و آهسته ادامه داد: «من هم می ترسم!» حقیقت این است. حرف حق را قبول دارند؛ اما بر قدرتشان، بر سلطنتشان، بر ریاستشان و بر حکومتشان می ترسند! برای این که چند صباحی در رأس قدرت باشند، حقیقت را نمی گویند. ملت و دولت ایران و نظام مقدس اسلامی در ایران، حرف حق خود را در مقابل یک دنیای پر زرق و برق پر مدعای بلند صدایی که تبلیغاتش همه عالم را گرفته است، می گوید. این خصوصیتی است که همه ناظران در سطح دنیا آن را تحسین می کنند. آن وقت شما ببینید که یک پیغمبر، یک تن تنها، در مقابل آن همه افکار مخالف، حرف حق را می زند و در مقابل نظرات مخالف، با قدرت می ایستد. ابراهیم علیه السلام چنین وضعی داشت. اینها هستند که تاریخ را شکل و جهت می دهند. نام ابراهیم و پیغمبران بزرگ الهی، به این جهت است که در تاریخ ثبت می شود. هیچ قدرتی نمی تواند بزرگان عالم و مردان شجاع الهی را از صفحه روزگار محو، یا نامشان را کمرنگ کند.

گفتند: «تو این کار را کردی؟! ابراهیم علیه السلام به آنها جواب داد: «قال بل فعله کبیر هم هذا، فاسئلوهم ان کانوا ینطقون.» متعاقب این تکان شدیدی که آنها داد، خواست ذهنشان را متذکر کند و به آنها ذکر بدهد. گفت: «اگر بتها حرف می زنند از خودشان پرسید! اگر این بت بزرگ، قدرت دارد که بیان کند و حقیقت را به شما بگوید از او سؤال کنید و ببینید چه می گوید!» در واقع آنها را مقابل مطلبی قرار داد که ناچار بودند آن را بفهمند و تصدیق کنند. یعنی راه برو و برگرد نداشتند! الگو و نمونه ذکر دادن به مخاطب را ابراهیم علیه السلام از طریق حرکتی بزرگ و کوبنده انجام داد.

اکنون چند آیه را در ارتباط با موضوع تا آخر می خوانم و شرح و معنی می کنم. بعد به حرکت عظیم ملت ایران و آن رهبر الهی بزرگ که ابراهیم وار حرکت کرد و کرد آن کاری را که خدا می خواست بکند و تأثیر خود را در دنیا گذاشت، می پردازیم.

قرآن کریم در ادامه آیات مربوط به اقدام و حرکت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «فرجعوا الی انفسهم.» وقتی به آنها گفت که «از بت بزرگ سؤال کنید» آنها به خودشان برگشتند؛ یعنی ناگهان به خود آمدند. این همان حالت ذکر است. «فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم انتم الظالمون.» به خودشان برگشتند، فکر کردند و به تعبیر من با خود گفتند: «حقاً که ما ستمگریم.» انسان آن قدر غافل باشد که به جای رفتن به سراغ خداوند قادر حی بصیر فعال مایشاء و حاکم ما یُرید، به سراغ موجودی که از خودش هم نمی تواند دفاع کند برود و چشم بسته تسلیم او شود؟! اگر چه آن بت، چوبی بود؛ اما بتهای گوشت و پوست و استخواندار نیز همین طورند. هر قدرتمندی که به خدا متکی نباشد و قدرتش از قدرت پروردگار عالم سرچشمه نگرفته باشد، مثل همان بت است که نمی تواند از خود و از منطق خود دفاع کند.

آری؛ همچنان که می بینید، مستکبرین و قلدران عالم در سرتاسر دنیا - چه در سطح بین المللی و چه در کشورهای خودشان - زورگویی می کنند، اما زورگویی برای همیشه قابل ماندن نیست. زور که باقی نمی ماند! آنچه باقی می ماند، حقیقت است. لذاست، که «نمرودها» رفتند و «ابراهیم»ها باقی ماندند. «ثم نکسوا علی رؤوسهم.» بعد از آن که ابراهیم علیه السلام به آنها ذکر داد و به آگاهی رسیدند، سرشان را پایین انداختند.

انسان غافل نمی فهمد چه کار می کند. شما اگر امروز به ملتهایی که تحت تأثیر فرهنگ تحمیلی ابرقدرتها قرار دارند نگاه کنید، همین غفلت را مشاهده خواهید کرد. سر به هوا در حال حرکتند، و هر کس غیر از خودشان را نیز نفی می کنند. از روی غفلت، ملتها را تحقیر می کنند و مورد بی اعتنائی قرار می دهند؛ چون حقیقت را نمی دانند.



«ثم نکسوا علي رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون. قال افتعبدون من دون الله ما لا ينفعکم شیئاً و لا یضرکم.» ابراهیم علیه السلام، از یک لحظه آگاهی آنها حُسن استفاده کرد و در چند جمله، تنها سخن حقیقتی را که در آن لحظه می شد بیان کرد به آنها گفت. گفت: «آیا شما به غیر خدا، کسی را عبودیت می کنید که نه می تواند به شما نفع برساند و نه ضرر؟!» و شما عزیزان من! بدانید که همه قدرتهای غیرخدایی این گونه اند. به قدرت ظاهری فراگیرشان نگاه نکنید. به سلاحهای مدرن و فوق مدرن و به پول و ثروتشان نگاه نکنید.

آن عاملی که ملتها را در مقابل قدرتها ضعیف می کند، بی ارادگی خود ملتهاست. اگر ملتی با اراده حرکت کند، به خدا متکی باشد و دستور الهی را اطاعت نماید، هیچ قدرتی نمی تواند مویی از سر او کم کند. «اف لکم و لما تعبدون من دون الله.» ابراهیم علیه السلام فرمود: «اف بر شما و بر آن چیزی که جاهلانه عبادتش می کنید و در مقابل آن سر فرو می آورید.» سیر حرکت ابراهیم علیه السلام به این ترتیب بود که اول حرکت تندی انجام داد، تا وجدانها و ذهنها را متوجه کند. آن گاه، با استفاده از آن توجهی که دلها پیدا کرد، سخن حق را در یک جمله به دلها و ذهنهای آنها القاء نمود. بعد از آن که بیداری در مردم به وجود آمد، نوبت به دشمن رسید تا عکس العمل نشان دهد. دشمن کیست؟ همان است که قرآن فرمود: «و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً.» کسانی که مست شهوت و قدرت و پولند. آنها هستند که می خواهند همه مردم در حال غفلت باشند. همه مست باشند؛ چون آنها مستند! مسأله این است. ملت و رهبر الهی ایران - آن مردی که در راه انبیا حرکت می کرد - همین راه را طی نمودند و امروز شما ملاحظه می کنید که در دنیا، بیداری به وجود آمده است. این سخن، سخنی اغراق آمیز و مبالغه آلود نیست؛ بلکه یک حقیقت است. می بینید که عکس العمل دشمن چگونه است؟! می بینید که قدرتهای استکباری و در رأس آنها قدرت استکباری امریکا چگونه به تهدید می پردازند و برای تبلیغات علیه ملت ایران و نظام اسلامی پول خرج می کنند؟! این عکس العمل آنهاست. اگر آنها از حرکت عظیم ملت ایران ضربه نخورده بودند عکس العمل نشان نمی دادند.

وقتی ابراهیم، علیه السلام، آن حرکت را کرد و مردم را بیدار نمود، آن وقت: «قالوا حرّوه وانصروا الهتکم.» گفتند: «ابراهیم را بسوزانید!» چرا ابراهیم را بسوزانند؟ چون ابراهیم برای آنها ضرر دارد؛ چون ابراهیم مردم را بیدار می کند؛ چون ابراهیم سخنی را مطرح می کند که پایه های شوکت ظالمانه مادی مستان قدرت را می لرزاند. این همان کاری بود که ندای به حق امام بزرگوار و شما ملت مؤمن، با قدرتهای استکباری دنیا کرد. امروز، در هر جا، وقتی که مردم رادیوهای دشمنان را باز می کنند - رادیو دولتی انگلیس، رادیو دولتی امریکا، رادیو حکومت غاصب صهیونیستی، رادیوهای عوامل مزدور پس مانده آنها؛ که ملت ایران، مثل خاکروبه ای از محیط زندگی خود بیروشان ریخت - می بینند به ملت بدگویی می کنند؛ به دولت بدگویی می کنند؛ به نظام بدگویی می کنند؛ به امام و به اسلام بدگویی می کنند. اگر کسی غافل باشد و قدرت تحلیل نداشته باشد، خواهد گفت: «عجب! ما تنها ماندیم و ضعیف شدیم.» من می گویم: ای ملت عزیز ایران! ای جوانان مؤمن! ای بازوان نیرومندی که توانستید در طول جنگ تحمیلی هشت ساله، قدرتهای زبده عالم را که پشت سر عراق مخفی شده بودند به زانو درآورید! بدانید که شما به عنوان یک ملت، در دنیا البته تنهاییید؛ اما همان ملت تنهایی هستی که قدرتهای استکباری بزرگ، تا مغز استخوانشان از شما می ترسند.

چون می ترسند، علیه شما تبلیغات می کنند. چون می ترسند، سعی می کنند به شایعه سازی بپردازند. چون می ترسند، سعی می کنند جوسازی کنند. اگر نمی ترسیدند که این کارها نبود! خوب؛ دلیل ترس آنها چیست و چرا می ترسند؟ آیا ملت ایران، به حق کسی تجاوز کرده است؟ آیا ما کسی را تهدید کرده ایم؟ آیا ما به جایی لشکرکشی کرده ایم؟ ابداً. ما به هیچ جا لشکرکشی نکرده ایم؛ مگر آن وقت که مرزهایمان را شکستند و خاکمان را تصرف کردند. آن وقت مانند هر انسان کریمی ملت ما قیام کرد؛ خاک خودش را از آلودگی پاک نمود و دشمن را بیرون ریخت. آن روز



که روز دفاع است؛ آن روز که روز زدن به دهان متعدّی است؛ آن روز که روز پشت گردنی زدن به انسانهای خبیث و رذل است، البته ملت ایران مردانه وارد میدان می شود. اما ملت ایران، هیچ کس را تهدید نکرد. ما هیچ کشوری را به حمله نظامی و تعدّی و تجاوز ارضی تهدید نکردیم. این را همه دنیا هم قبول دارند و هیچ نمی توانند علیه این سخن، کمترین نمونه ای ارائه کنند. پس، از چه می ترسند؟ از این می ترسند که ملت ایران شعاری را مطرح کرده است که این شعار، مستقیماً به زیان همه قلدان دنیاست.

ملت ایران می گوید: «ملتها باید استقلال داشته باشند. ملتها باید بر ثروتهای طبیعی خودشان حاکم باشند. اختیار ثروتهای طبیعی ملتها باید دست خودشان باشد.» ملت ایران، این را می گوید. جمهوری اسلامی، یعنی این. حکومت الهی، یعنی این. شما ببینید، قدرتهای نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، امروز با ملتهای به قول خودشان «در حال توسعه» چه می کنند؟! هر چه از دستشان بر آید نسبت به آنها انجام می دهند. اگر ملتی در داخل کشور خودش منابع طبیعی دارد، دولتهای قلدر دنیا می خواهند از منابع طبیعی او بیشتر از خود آن ملت استفاده کنند. البته تا زورشان برسد، بیشتر از خود آن ملتها هم استفاده می کنند.

آقایان و خانمها! دو، سه کشور در دنیا - در آفریقا و امریکای لاتین - هستند که تقریباً همه مس دنیا را آنها تأمین می کنند. دولتهایی که منابع مس مال آنهاست، به خاطر این منابع مورد تعدّی سیاسی دولتهای بزرگ قرار گرفتند و عاقبت هم به خاطر مس از لحاظ مالی ورشکست شدند! این در حالی است که همان مس، از آن کشورها به کشورهای ثروتمند و قلدر دنیا صادر می شود و آنها از این ماده مهمّ لازم، تقریباً به صورت مفت و رایگان استفاده می کنند. همین نفت خودمان را نگاه کنید! من یک وقت خطاب به بعضی از سیاسیون که در کشورهای دیگر تولید کننده فعال نفت هستند، نکته و سؤالی مطرح کردم و گفتم: «ما امروز نفت داریم. کشورهای حاشیه خلیج فارس بعضی کشورهای آفریقایی و بعضی کشورهای آسیایی هم، نفت تولید می کنند. این نفت گرانتیمنت را به قیمتهای ارزان و به بشکه ای چندین برابر کمتر از قیمت حقیقی آن، از اینها می خرند. این کشورها هم چون به پول فروش نفت احتیاج دارند، بالاچار آن را با قیمت پایین می فروشند. آن گاه مستکبرین می روند و از این نفت، حداکثر استفاده را می کنند.» سؤالی که مطرح کردم این بود. گفتم: «حالا فرض کنید به جای کشورهای عربستان، ایران، اندونزی، امارات، کویت و غیره و غیره، نفت در اختیار امریکا و انگلیس و ایتالیا و بعضی کشورهای دیگر اروپایی بود و ما می خواستیم از آنها نفت بخریم. شما را به خدا، حاضر بودند حتی یک قطره نفت به ما بدهند؟! اگر شما می خواستید یک بشکه نفت از آنها بگیرید، صد گونه شرط و شروط می گذاشتند و بعد هم به هر قیمتی که دلشان می خواست، آن را به شما می دادند! امروز همان نفت، یعنی همان مایع ذی قیمت را، با استفاده از خیانت بعضی از دولتهای تولید کننده نفت، که دستشان در دست آنهاست، به کمترین قیمت ممکن می خرند و در واقع غارت می کنند و می برند و از آن، همه اساس مدنیّت صنعتی کنونی را بر پا می دارند. روشنایی شان از نفت ماست؛ گرمایشان از نفت ماست؛ حرکتشان از نفت ماست؛ کارخانه و مصنوعاتشان هم از نفت ماست!»

قلدری دولتهای قلدر دنیا، این گونه است، عزیزان من! امروز دنیای مستکبر این است و چنین رفتاری را دارد. اگر دستشان برسد، حاضرند کشورهای ضعیف را مثل برده به کار گیرند و از آنها استفاده کنند؛ کما این که در طول تاریخ - در دوران استعمار مستقیم - این کار را کردند. امروز هم به شکل دیگری همان کار را می کنند. در چنین دنیایی با وضعیتی چنین، ملت ایران قیام کرده است؛ حکومتی را که دست نشانده و نوکر همان قلدرا در ایران بوده است - یعنی سلسله منحوس پهلوی - را از اریکه قدرت پایین کشیده، آنها را تارانده، و از کشور بیرون کرده است. آنها کسانی بودند که در طول بیش از پنجاه سال، به این مملکت خیانت کردند؛ همه چیز این ملت را عقب نگه داشتند و ثروت این ملت را نابود کردند.

دولتهایی که به اراده این مردم مسلمان بر سر کار آمدند، تلاش می کنند آن ویرانیها را اصلاح و بازسازی کنند و



خلأها را پر سازند. شعار ملت ایران در این حرکت عظیم چیست؟ استقلال. این ملت می گوید: «ما می خواهیم مستقل باشیم. ما نمی خواهیم آمریکا و انگلیس و دیگر دولتها، بر سرنوشتمان مسلط باشند.» همین شعار استقلال، شعاری است که قدرتمندان عالم از آن ضرر می بینند. مثل شعار ابراهیم خلیل الله است و هیچ فرقی با آن ندارد. همان طور که نظام «نمرود» ی آن روز، از ابراهیم علیه السلام می ترسید - در حالی که او یک نفر بود و فقط یک حرف می زد - امروز نظام استکبار جهانی از ملت و دولت ایران می ترسد؛ از رهبری ایران می ترسد؛ از اسم امام بزرگوار، می ترسد.

پس، این را که گفته می شود «استکبار جهانی از ملت ایران می ترسد»، بعضی برندارند به عنوان یک نقطه ضعف مطرح کنند و بگویند: «ببینیم چه کار کرده اید که از شما می ترسد؟!» این ترس، ترس یک مجرم از انسانی است که می خواهد او را سر جای خودش بنشاند. ترس یک گناهکار است، از کسی که گناه را می شناسد و می خواهد گناهکار را افشا کند. ترسی که استکبار دارد، چنین ترسی است. این نکته را هم عرض کنم: برادران و خواهران عزیز من! اکنون پانزده سال است که ملت ایران، به فضل پروردگار در مقابل همه فشارها و تهدیدهای دشمنان مقاومت کرده است؛ آن هم مقاومتی بسیار با عظمت و با شکوه. همین مقاومت شماست که ملت‌های دیگر را امیدوار نگه داشته است. دشمن می خواهد این مقاومت را در هم بشکند. این که می بینید سردمداران استکبار جهانی، پیوسته شعار می دهند «ما مایلیم با ایران روابط داشته باشیم»، اظهاراتی ریاکارانه و خلاف حقیقت است. معنای واقعی این اظهارات و شعارها، محبت به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی نیست. به معنای قبول کردن اشتباهات گذشته شان نیست. به معنای تعهد نسبت به آینده - که بعد از این به ملت ایران زورگویی نکنند - نیست. این یک نوع فریب است. به ظاهر می گویند «ما آماده ایم روابط برقرار کنیم» و متعاقب آن عنوان می کنند «مشروط بر این که ایران از حرف‌های افراطی خود صرف نظر کند.» حرف‌های افراطی ما چیست؟ یکی از حرف‌های افراطی نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، همین است که می گوییم «نمی خواهیم دولتهای استکباری در کار ما دخالت کنند.» این حرف، افراطی است؟! این حرف، به نظر سردمداران استکبار، حرفی نگفتنی است! می گویند چرا عنوان می کنید که «در کار ما دخالت نکنید»؟! در همین منطقه خاور میانه و منطقه اسلامی خودمان، دولتهایی را می شناسیم که اگر بخواهند با دولتی دیگر رابطه برقرار کنند، از آمریکا اجازه می گیرند! به آمریکا می گویند: شما اجازه می دهید ما با فلان دولت، رابطه داشته باشیم؟ این را خودشان می گویند. حیا نمی کنند و خجالت هم نمی کشند!

در همین کشور ایران، محمدرضا پهلوی خائن، برای این که کدام نخست وزیر سر کار بیاید؛ کدام رئیس شرکت نفت سر کار بیاید؛ کدام وزیر دفاع و یا کدام وزیر خارجه سر کار بیاید، دنبال سفرای آمریکا و انگلیس در تهران می فرستاد و به آنها می گفت: می خواهم فلان کس را بیاورم. نظر شما چیست؟ اگر آنها می گفتند «بیاور»، می آورد و اگر می گفتند «نیاور»، نمی آورد! امریکاییها این را می خواهند. استکبار جهانی این را می خواهد. هستند دولتهایی که این گونه رفتار می کنند و این گرگ‌های درنده را نسبت به ملت‌ها پر رو کرده اند. افراطیگری ملت ایران، این است که می گوید: «ملت ایران، یک ملت بزرگ، یک ملت کهن، یک ملت دارای فرهنگ قدیمی و یک ملت دارای سابقه درخشان تاریخی است. ملتی است که مردان و زنان و مادران و همسرانش، در مشکلات دنیا نشان داده اند که مانند پولاد آبدیده اند. این ملت حاضر نیست قیومیت آمریکا و دولتهای استکباری را بر خودش قبول کند.»

موضع ما در مورد مسأله فلسطین هم موضع روشنی است. ما طرفدار ملت فلسطین هستیم. ما طرفدار آزادی فلسطین هستیم. ما طرفدار کوتاه کردن دست متجاوزین به سرزمین فلسطین هستیم. ما می گوییم که «مردم فلسطین در خانه خودشان امنیت ندارند.» اسلام، این وضعیت را رد می کند. لذا ما هم رد می کنیم؛ ولو کشورهای دیگر پای میز مذاکره بنشینند و فلسطین را - به خیال خودشان - به دشمن بفروشند. اما بدانند که ملت‌های مسلمان و ملت فلسطین، هرگز کشور فلسطین را به دشمن نخواهند فروخت.



خدا را شکر می‌کنیم که ملت ما بیدار است. خدا را شکر می‌کنیم که ملت ما در صحنه است. ملت ما به آنچه که تا امروز انجام داده است افتخار می‌کند. دولتمردان از خود این مردمند؛ با همین احساسات، با همین ایمان و با همین جهتگیری. در رأس دستگاه اجرایی کشور، رئیس جمهوری باایمان، با جهاد، با سوابق روشن و درخشان و از خود مردم قرار دارد. مجلس شورای اسلامی، متشکل از نمایندگان همین مردم است؛ با همین احساسات و با همین جهتگیری و خواست. دستگاه قضایی، دستگاهی از آن خود این مردم و متعلق به خود آنهاست. البته این ملت، در سطح کشور کمبودها و کسریهایی دارد. مسؤولین باید تلاش کنند کسریها را از بین ببرند و جبران کنند؛ کمبودها را مرتفع سازند و مشکلات را به صفر برسانند. یک حرکت ملی اسلامی عظیم بر سرتاسر این ملت حاکم است. دولت و ملت با هم تلاش می‌کنند و باید هم تلاش کنند.

خدا را شکر می‌کنیم که این راه، راه روشنی است که در اختیار ملت ایران است. این، از برکات قرآن و از برکات ایمان به قرآن و اسلام است. این، از برکات هدایتهای الهی، از برکات هدایتهای امام بزرگوار و از برکات روشن بینی شما ملت ایران است. این راه را با همین قدرت طی کنید که پیروزی با ملت ایران است. دشمنان هر چه هم قلدر و گردن کلفت باشند، در مقابل اراده ملت ایران مجبور به عقب نشینی اند. همچنان که تا امروز عقب نشینی کرده اند و همچنان که تا امروز تو دهنی خورده اند. آنها می‌خواستند این نظام نباشد. آنها می‌خواستند نام اسلام نباشد. اما به فضل پروردگار، اسلام روزه روز سربلندتر شد و این نظام، روزه روز استوارتر گردید. پروردگارا! تو را به محمد و آل محمد علیهم السلام، سوگند می‌دهیم توجّهات ولی عصر ارواحنا فداه را به این ملت، همیشه مستمر و مستدام بدار.

پروردگارا! این عید سعید را بر آحاد این ملت مبارک کن.

پروردگارا! شادی و نیکروزی را به همه خانه های این کشور و این ملت و به دلهای همه این مردم ببر.

پروردگارا! این اتحاد و یگانگی ای را که میان این ملت و میان ملت و دولت وجود دارد، روزه روز مستحکم تر کن.

پروردگارا! بر قرب و تعالی و درجات ارواح مطهر شهدای عزیز ما، ساعت به ساعت بیفزای.

پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار را با اولیای محشور کن.

پروردگارا! مشکلات و گره ها و نابسامانیها را با دست قدرت خود برطرف کن.

پروردگارا! لذت پیروزی بر دشمن را به این ملت بچشان.

پروردگارا! به محمد و آل محمد علیهم السلام، هدایت و ذکر و روشن بینی را شامل حال همه ما بگردان.

پروردگارا! ما را از برکات این قبر مطهر و فیضهای حضرت علی بن موسی الرضا علیه الصلاة والسلام، برخوردار فرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.